

## مطالعه کیفی تعیین‌گرهای فرهنگ محیط زیستی

زهرا همتی<sup>۱</sup>، دکتر مهدیه رضایی<sup>۲</sup>، دکتر سید محمد شبیری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۶

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۹/۷

### چکیده:

امروزه مسایل و مشکلات محیط زیستی به چالش و نگرانی‌های بسیاری برای جامعه تبدیل شده است. بسیاری بر این باورند که این مشکلات از ضعف فرهنگی ناشی می‌شود. بودیو ریشه بحران‌های محیط زیستی را در جهان‌بینی غربی که نگاهی سلطه‌گرایانه به محیط زیست دارد، می‌بیند. در واقع، بدون شکل‌گیری فرهنگ محیط زیستی، تشکیل جامعه‌ای با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی بالا امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، در پژوهش حاضر، به مطالعه کیفی تعیین‌گرهای فرهنگ محیط زیستی پرداخته شد. با بهره از روش کیفی تحلیل مضمون و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران داده‌ها گردآوری شد و سپس مورد تحلیل مضمون قرار گرفت. در نهایت، به دو مضمون فراگیر و پنج مضمون سازمان‌دهنده دست یافته شد. درباره مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی، ۷ مضمون پایه به دست آمد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. مضامین پایه به دو دسته کلی ذهنی و عینی تقسیم شدند. درباره عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی، به ۱۲ مضمون پایه اشاره شد که این موارد نیز در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. این مضامین پایه به سه دسته کلی عوامل فرهنگی - اجتماعی، انگیزشی و اقتصادی تقسیم شدند. در نهایت، جهت بررسی اعتبار محتوایی الگو، از شاخص *CVR* استفاده شد که نتایج (بیش از ۰/۴۲) حاکی از تأیید الگوی طراحی شده توسط صاحب‌نظران می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: مطالعه کیفی، تعیین‌گر، فرهنگ محیط زیستی، تحلیل مضمون، اعتبار محتوایی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران z.hemmati.89@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mdrezaee@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران sm\_shobeiri@pnu.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

افزایش جمعیت، به‌روز شدن فناوری و حضور روزافزون آن در زندگی، اقتصاد جهانی و بهره‌برداری از منابع طبیعی موجب بروز و تشدید مشکلات محیط زیستی شده است. به‌گونه‌ای که این مشکلات محیط زیستی به چالش و نگرانی‌هایی برای جامعه تبدیل شده است (Garcia-Machado and Martinez-Avila, 2019:1). چالش‌های محیط زیستی مانند انواع آلودگی‌ها، تخریب منابع و گرمایش زمین که به دلیل بهره‌برداری بیش از حد و نادرست از آن با سرعت هشدار دهنده‌ای ادامه دارد. برخی از تدوین و اجرای قوانین محیط زیستی و ملزم کردن شرکت‌های تجاری به نوآوری‌های سبز و اجرای شیوه‌های توسعه پایدار سخن می‌گویند (Mat Basir and Feng Ming, 2018) و برخی از کاربرد فناوری برای مقابله با این مشکلات محیط زیستی (Yurdakul and Kazan, 2020)؛ در حالی که برخی بر این باورند که برای حل چالش معضلات محیط زیستی چاره‌ای جز ورود به حوزه فرهنگ نداریم. به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران، مسایل و مشکلات محیط زیستی دنیای امروز، از ضعف فرهنگی در رابطه بین انسان و طبیعت ناشی می‌شود. بورديو معتقد است که «بسیاری از بحران‌های محیط زیستی ریشه در جهان‌بینی غربی دارد، جهان‌بینی که انسان را حاکم بر محیط زیست می‌داند. همین جهان‌بینی، منجر به شکل‌گیری رابطه سلطه‌گرایانه انسان بر طبیعت شده است» (Bourdieu, 2004). از آنجایی که جوامع انسانی در محیط طبیعی شکل گرفته‌اند، لذا تعامل انسان با محیط، به اندازه تعامل با هم‌نوعانش حائز اهمیت است. امروزه از دیدگاه جامعه‌شناختی، احساس و رفتار انسان با محیط زیست به‌عنوان حوزه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای مطرح می‌باشد. شناخت پیوندهای قلمرو اجتماعی و تأثیرش بر قلمرو طبیعی اهمیت بسیار زیادی در کاهش پیامدهای منفی برای محیط زیست، انسان‌ها و نسل‌های بعدی دارد (Kalantari & et. al, 2016:2).

برخی بر این باورند که فرهنگ مشخص‌کننده ویژگی‌های تعامل انسان و طبیعت و پیامدهای این تعامل خواهد بود. فرهنگ مدرن که مشخصه آن فقر معنوی، خودخواهی، بیگانگی انسان از طبیعت و سایر افراد است، بشریت را به مرز بحران محیط زیستی سوق می‌دهد. با این حال، همین فرهنگ به فرد اجازه می‌دهد تا جوهره انسان‌گرایانه خود را حفظ نماید تا رابطه انسان و طبیعت را هماهنگ کند؛ چنین فرهنگی، فرهنگ محیط زیستی نامیده می‌شود (Apanasyuk & et. al, 2019:192)؛ همچنین، برخی از دانشگاهیان و سیاست‌گذاران حامی محیط زیست بر این باورند که تغییر رفتار افراد از طریق تغییرات عمیق‌تر در جامعه نیز امکان‌پذیر است (Jackson and Michael, Cited in Willuweit, )

2009). بدون شکل‌گیری فرهنگ محیط زیستی، تشکیل جامعه‌ای با مسئولیت‌پذیری محیط زیستی بالا بر اساس مفاهیم مدرن توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست و این امر از طریق آموزش‌های مدرن محیط زیستی محقق می‌گردد (Apanasyuk & et. al, 2019:192). نواح و همکارانش (۱۳۹۰)، نیز معتقدند که هر جامعه‌ای بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی خود، نسبت به محیط زیست برخورد متفاوتی بروز می‌دهند. شوماخر نیز بر این باور است که برای جوامعی که در سطح پایینی از کیفیت محیط زیست قرار دارند، سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ باعث ایجاد حلقه‌های بازخورد مثبت می‌گردد که این امر موجبات ارتقاء فرهنگ محیط زیستی می‌شود (Schumacher, 2015).

اصطلاح‌نامه عمومی چندزبانه محیط زیستی<sup>۱</sup> (GEMET) فرهنگ محیط زیستی را مجموع رفتارها، نگرش‌ها، اعمال و دانش آموخته شده یک جامعه در رابطه با حفظ یا حفاظت از منابع طبیعی خود، اکوسیستم و سایر شرایط خارجی مؤثر بر زندگی انسان معرفی کرده است. پژوهشگران ابعاد متفاوتی برای فرهنگ محیط زیستی در نظر گرفته‌اند که اهم این ابعاد شامل دانش، نگرش، ارزش، احساس مسئولیت و رفتار محیط زیستی می‌باشد (For Example: Eskandari Thani & et. al., 2021, Esfandiarpour & et. al. 2020; Salehi and Imamqoli, 2019; Hemti and Shabiri, 2015, etc). با بررسی تحقیقات انجام شده، می‌توان مشاهده کرد که ابعاد فرهنگ محیط زیستی به‌طور جداگانه به فراوانی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته‌اند، در حالی که فرهنگ محیط زیستی کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ همچنین با کنکاش در تحقیقات و مدل‌های نظری ارائه شده که عمدتاً برای پیش‌بینی نگرش‌ها و رفتارهای محیط زیستی صورت گرفته است، مشاهده می‌شود که غالباً تحقیق‌ها مبتنی بر رویکرد روان‌شناختی بوده و بر تفاسیر فردی در مورد رفتار تمرکز دارند. توجه کمتری به زمینه اجتماعی داشته و چندان بر رویکرد جامعه‌شناختی استوار نیستند. غالب مدل‌های موجود قادر به ترکیب پویایی تعاملات مابین و تأثیر رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها بر محیط زیست نیستند. از سویی، با مطالعه و بررسی‌های انجام شده، نظریات مطرح در حوزه جامعه‌شناسی محیط زیستی، به حد کفایت توان و استعداد آن را ندارند که در غالب یک مدل با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی محیط زیستی در راستای بهره‌برداری در تحقیق‌ها و پیش‌بینی عملکرد محیط زیستی جامعه از آنها بهره گرفت. با توجه به شکل‌گیری توجهات روزافزون به جامعه‌شناسی محیط زیستی، این تحقیق قصد دارد مدل جدیدی با ترکیب ساختارهای اضافی و ارائه الگویی جدید در حوزه فرهنگ محیط زیستی

<sup>1</sup> General Multilingual Environmental Thesaurus

طراحی کند. از این رو، تحقیق حاضر به مطالعه کیفی تعیین‌گرهای فرهنگ محیط زیستی پرداخته و قصد پاسخ به سؤالات ذیل را دارد:

- ۱- الگوی جامعه‌شناختی فرهنگ محیط زیستی جامعه دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
- ۲- الگوی مطلوب جامعه‌شناختی فرهنگ محیط زیستی جامعه کدام است؟
- ۳- الگوی تدوین شده جامعه‌شناختی فرهنگ محیط زیستی جامعه از چه اعتباری برخوردار است؟

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

اسکندری ثانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان: تحلیلی بر فرهنگ و رفتار زیست‌محیطی مسئولانه شهروندان بیرجندی، برای متغیر فرهنگ محیط زیستی صرفاً دو بعد دانش محیط زیستی و رفتار زیست‌محیطی مسئولانه را مدنظر قرار داده‌اند.

اسفندیارپور و همکاران (۱۳۹۹)، رابطه کیفیت زندگی و هویت ملی با فرهنگ محیط زیستی را در شهر کرمان بررسی کرده‌اند. ایشان برای فرهنگ محیط زیستی ابعاد سه‌گانه شناخت و آگاهی محیط زیستی، نگرش محیط زیستی و رفتار محیط زیستی را در نظر گرفته‌اند.

صالحی و امامقلی (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی: رابطه رسانه، فرهنگ و رفتارهای محیط زیستی (مطالعه موردی: شهروندان سنندج) پرداخته‌اند. آنها برای سنجش فرهنگ محیط زیستی ابعاد نگرش، ارزش، دغدغه و آگاهی محیط زیستی را مدنظر قرار داده‌اند.

همتی و شبیری (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ محیط زیستی مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز را بررسی کرده‌اند. از نظر آنها فرهنگ محیط زیستی ترکیبی از سه مؤلفه نگرش محیط زیستی، احساس مسئولیت محیط زیستی و رفتار (عملکرد) محیط زیستی می‌باشد؛ ضمن اینکه شاهنوشی و عبدالهی (۱۳۸۶)، اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ محیط زیستی را آگاهی، نگرش و رفتار محیط زیستی می‌دانند.

#### ب) تحقیقات خارجی

Murillo and Margarita (2013) ابعاد فرهنگ محیط زیستی را این‌گونه توصیف می‌کنند: ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای محیط زیستی. به‌زعم آنها، فرهنگ محیط زیستی نحوه تعامل انسان با محیط زیست است و اولین قدم برای شناخت آن، مطالعه ارزش‌هاست.

این ارزش‌ها هستند که باورها و نگرش‌ها را تعیین می‌کنند و در نهایت، همگی عناصری هستند که به رفتار محیط زیستی معنا می‌بخشند. به اعتقاد آنها، رفتار محیط زیستی باید با توجه به ویژگی‌های جامعه مورد بررسی قرار گیرد. لذا، انجام مطالعاتی برای تعیین این متغیرها با هدف پیشرفت در تثبیت فرهنگ زیست‌محیطی مطلوب را حائز اهمیت می‌دانند.

*Isaac-Marquez & et. al (2011)* فرهنگ محیط زیستی را مجموعه‌ای از نگرش،

نیت رفتاری و دانش محیط زیستی معرفی کرده‌اند.

*Kurbanov & Prokhoda (2019)* مقاله: یک پروژه تجربی (نگرش روس‌ها نسبت به

تغییر اقلیم) را بر اساس تجزیه و تحلیل ثانویه داده‌ها از موج هشتم «نظرسنجی اجتماعی اروپا» (ESS) که در سال ۲۰۱۶ انجام شد، تدوین کرده‌اند. آنها نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای محیط زیست را به‌عنوان فرهنگ اکولوژیک عنوان کرده‌اند.

*Sabrekov (2020)* معتقد است که در حال حاضر، برای جامعه علمی جهانی روشن

است که بحران‌های محیط زیستی را نمی‌توان تنها با ابزارهای فنی حل کرد که مستلزم تجدیدنظر در رویکرد آموزش محیط زیست است؛ اما نه آن شیوه‌های آموزش محیط زیست که همسو با حوزه‌های فردی و فناوری است.

*Spinola (2021)* با توجه به چالش عظیمی که بشر با بحران زیست‌محیطی کنونی با

آن مواجه است، معتقد است که به جای تأکید بر حوزه‌های فردی و راهکارهای فناورانه، ما باید هدف آموزش محیط زیست را با تمرکز بر فرهنگ محیط زیستی تجدید کنیم که می‌تواند تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد نیاز را افزایش دهد. برای شروع این رویکرد، باید تعریف روشنی از این فرهنگ محیط زیستی که دنبال می‌کنیم، تنظیم شود و به همین ترتیب، فرهنگ محیط زیستی را این‌گونه تعریف می‌کند: سیستم پیچیده‌ای از کدها، استانداردها و اشکال سازمان‌دهی مشترک توسط یک جامعه، یا یک گروه اجتماعی که از طریق آموزش و جامعه‌پذیری آموخته می‌شود و به حفظ تعادل محیط زیستی کمک می‌کند. این خود را از طریق هنجارها، باورها، ارزش‌ها، مفاهیم، دانش، عادات، اعمال، انتظارات، سبک زندگی، نهادها و مدل‌های سازمان اجتماعی و اقتصادی نشان می‌دهد که در مجموع پایداری محیطی یک جامعه را تضمین می‌کند. واضح است که برای کاهش بحران محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنیم و برای برقراری مجدد تعادل‌های طبیعی، نیازمند تحولات فرهنگی عمیق در جوامع خود هستیم، با کنار گذاشتن نگاه انسان محورانه و پذیرش زیست‌محوری/اکوسنتری، رویکرد آموزش محیط زیست نمی‌تواند محدود به مدل‌های کلاسیک تدریس بر اساس مدارس و کلاس‌های درس باشد. با آگاهی از اینکه چالش بسیار بزرگ است و با درک

این موضوع که بستگی زیادی به تحولات اجتماعی و فناوری دارد، آموزش محیط زیست باید ابتدا تمرکز خود را از مدارس و کودکان به زندگی روزمره همه نهادها و گروه‌های اجتماعی تغییر دهد؛ روشی فراگیر و چند رشته‌ای / فرا رشته‌ای، از طریق توسعه «آموزش جوامع» برای توسعه فرهنگ محیط زیستی و پایداری.

از سویی، پیش‌فرض اساسی نظریه شناخت اجتماعی *Albert Bandura* این است که عملکرد انسان نتیجه سه عامل با تأثیرات متقابل و دوسویه است که شامل رفتار (عملکرد)، انتخاب‌ها و اظهارات کلامی، عوامل شخصی (اعتقادات، انتظارات، نگرش‌ها، تفکرات، ظرفیت شناختی فرد) و محیط اجتماعی (منابع، الگوها، وضعیت آموزشی، نتایج عملکردها، افراد دیگر، موقعیت‌های اجتماعی و فیزیکی) است. به اعتقاد او، این عوامل را نمی‌توان جدا از سایر عوامل به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار انسان به شمار آورد. تأثیرپذیری فرد از نتایج رفتار دیگران (یادگیری غیر مستقیم) تأکید دارد (*Javidi Kalateh Jafarabadi, 2011:235-237*). بندورا معتقد است که برای الگوسازی مناسب، سه عامل باید در نظر گرفته شود: ویژگی‌های الگو، ویژگی‌های مشاهده‌گر و پیامدهای پاداش مرتبط با رفتارها. ویژگی‌های الگو (مانند سن، جنسیت، مقام و شهرت الگو، میزان شباهت الگو با ما و نوع رفتاری که از الگو سر می‌زند) بر تمایل به تقلید کردن از او مؤثر است (*Behzadi, 2018: 29-30*).

ایسترادا، شولتز، سیلوا - سند و بودریاس در مدل پیشنهادی‌شان به دانش و آموزش علوم به‌عنوان یک کاتالیزور برای ادغام افراد در جامعه شهروندانی که به محیط زیست به‌ویژه تأثیرات تغییرات اقلیمی اهمیت می‌دهند، توجه می‌کنند. بر اساس این مدل، افراد دانش علمی را به روشی و تا حدی کسب می‌کنند که باعث افزایش کارآمدی، هویت و ارزش‌های آنها شود. بر اساس یافته‌های آنها، افرادی که در یک جامعه دغدغه تغییرات اقلیمی دارند، تمایل بیشتری در مشارکت در هنجارهای رفتاری جامعه که ممکن است شامل انواع رفتارهای حفاظت از محیط زیست باشد، دارند. به‌زعم آنها، کارآمدی (اثربخشی)، هویت و ارزش‌ها باید واسطه رابطه بین دانش علوم اقلیمی و مشارکت در رفتارهای محیط زیست‌گرایانه باشد (*Estrada, Schultz, Silva-Send and Boudrias, 2017*).

## روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر برای مطالعه کیفی تعیین گرهای فرهنگ محیط زیستی از روش کیفی تحلیل مضمون<sup>۱</sup> استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی قدرتمند و در عین حال انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌های کیفی است. این روش تجزیه و تحلیل، روشی مناسب برای درک تجربیات، افکار و یا رفتارها در یک مجموعه داده است. برای توصیف و در عین حال تفسیر فرایند انتخاب کدها و ساخت مضامین به‌کار می‌رود (Kiger and Varpio, 2020). به عبارتی، به دنبال تشخیص، پردازش و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی می‌باشد (Braun and Clarke, 2006). این روش با یک رویه مشخص و در سه سطح مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند و نقشه‌ای کل مضامین ارائه می‌کند که مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جای گذاری شده‌اند (Kamali, 2018:192). این پژوهش، ابتدا به گردآوری داده‌های مورد نیاز، با مطالعه و مرور ادبیات نظری و پیشینه تجربی مرتبط با تحقیق پرداخته شد. داده‌های به‌دست آمده مبنایی برای ساخت راهنمای مقدماتی مصاحبه بود و از آنها در انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. پس از انجام مصاحبه‌ها، داده‌های حاصل به روش سیستماتیک و با بهره‌گیری از شیوه‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده و در نهایت مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ محیط زیستی استخراج گردید. در ادامه یافته‌های حاصل با یکدیگر تلفیق شده و الگوی جامعه‌شناختی فرهنگ محیط زیستی طراحی گردید. در انتها با تدوین پرسشنامه و تکمیل آن توسط اساتید و صاحب‌نظران، روایی محتوایی الگوی طراحی شده تأیید شد.

جامعه آماری تحقیق، متخصصان و استادان جامعه‌شناسی که سابقه کار تحقیقی میان‌رشته‌ای و مرتبط با موضوع تحقیق داشته‌اند را شامل شده است. انتظار می‌رود این افراد به دلیل دارا بودن تجربه، دغدغه و علاقه نسبت به موضوع مورد بررسی؛ از دانش و مهارت تخصصی در این حوزه برخوردار بوده و بتوانند اطلاعات مناسبی را ارائه دهند. برای اجرای مصاحبه از روش گلوله برفی یا زنجیره‌ای و روش غیر تصادفی اشباع نظری برای انتخاب نمونه جهت مصاحبه‌ها بهره گرفته شده است. جمع‌آوری داده‌ها تا زمان دستیابی به اشباع نظری

---

<sup>1</sup> thematic analysis

ادامه پیدا کرد. در نهایت، تعداد ۱۵ نفر از اساتید و افراد صاحب نظر در رشته جامعه‌شناسی که دارای سابقه و زمینه کاری مرتبط با موضوع تحقیق بودند، در این مطالعه شرکت نمودند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

Table 1: Demographic Characteristics of the Interviewees

درصد	فراوانی	ویژگی	
Percent	Frequency	Characteristic	
۶۰	۹	زن	جنسیت
۴۰	۶	مرد	
۵۳	۸	دکتر	تحصیلات
۴۷	۷	دانشجوی دکتری	

برای شناسایی مضامین، از فرایند شش مرحله‌ای (Braun and Clarke, 2006) بهره گرفته شد.

این الگو شامل مراحل ذیل می‌باشد:

- آشنایی با داده‌ها یا بازخوانی مکرر داده‌ها و جستجوی معانی و الگوها.

- ایجاد کدهای مفهومی اولیه.

- جستجوی کدهای گزینشی (شاخص‌ها).

- شکل‌گیری مضامین فرعی (مؤلفه‌ها) که شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های

فرعی است.

- تعریف و نام‌گذاری مضامین اصلی (بعدهای اصلی).

- و بازبینی نهایی و تهیه گزارش.

این روش با یک رویه مشخص و در سه سطح مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)،

مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر

(مضامین عالی در برگزیده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند و نقشه کل مضامین

ارائه می‌کند که مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جای‌گذاری شده‌اند. داده‌های

کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (مضمون‌ها) متفاوت است. نسبت داده‌های کدگذاری شده به مضمون‌ها

به مثابه آجر به دیوار است (Kamali, 2018:192-197). در نهایت، از نرخ روایی محتوا (CVR) برای

بررسی اعتبار محتوایی مدل طراحی شده، استفاده شد. در واقع، با مراجعه مجدد به مشارکت‌کنندگان در

مصاحبه و برخی دیگر از صاحب‌نظران و اساتید آشنا به این حوزه، یافته‌های مطالعه مورد ارزیابی قرار

گرفت. بدین‌صورت پرسشنامه تدوین‌شده توسط ۲۰ نفر از متخصصان بررسی و بازخوردهای اصلاحی

دریافت گردید. لازم به ذکر است، شاخص CVR (Lawsh, 1975) بر اساس فرمول زیر محاسبه شد.



$$CVR = \frac{n \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انجام شده در زمینه فرهنگ محیط زیستی از متخصصان و کارشناسان (۱۵ نفر) مورد تحلیل مضمون قرار گرفتند و در نهایت به ۲ مضمون فراگیر و ۵ مضمون سازمان‌دهنده دست‌یافته شد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

دو مضمون فراگیر تحقیق بدین شرح می‌باشند:

۱. مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی (۲ مضمون سازمان‌دهنده)
۲. عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی (۳ مضمون سازمان‌دهنده)

### مضمون کلان ۱: مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی

در مصاحبه‌های به‌عمل آمده درباره مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی، به ۷ مضمون پایه اشاره شد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. این مضامین پایه ابتدا به دو دسته کلی ذهنی و عینی تقسیم شدند. سپس هر کدام از این دو دسته کلی به همراه تعداد دفعات اشاره به‌صورت جدول زیر آورده شد.

#### جدول ۲: مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی

**Table 2: Components of Environmental Culture**

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	دفعات اشاره
<i>Comprehensive Themes</i>	<i>Organizing Themes</i>	<i>Basic Themes</i>	<i>Number of Times Mentioned</i>
مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی	ذهنی	ارزش‌های محیط زیستی	۱۱
		هنجارهای محیط زیستی	۱۰
		نگرانی‌های محیط زیستی	۸
		دانش محیط زیستی	۷
	عینی	رفتارهای محیط زیستی	۱۲
		اقدام برای محافظت از محیط زیست	۵
		مسئولیت‌پذیری محیط زیستی	۴

### مؤلفه ذهنی فرهنگ محیط زیستی

نتایج مصاحبه‌ها با متخصصان و کارشناسان حکایت از این داشت که ۴ مؤلفه ذهنی برای فرهنگ محیط زیستی وجود دارد که در قالب مضامین پایه قرار گرفتند. ارزش‌های محیط زیستی، هنجارهای محیط زیستی، نگرانی‌های محیط زیستی و دانش محیط زیستی از جمله مؤلفه‌های ذهنی مورد اشاره این مضمون سازمان‌دهنده بوده است که پرتکرارتر از مضامین دیگر بدان اشاره شده است. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

«به نظر من ارزش‌های محیط زیست‌محور یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ محیط زیستی است. اگر چنین ارزش‌هایی در افراد جامعه وجود نداشته باشد نمی‌توان در آن جامعه از فرهنگ محیط زیستی حرف زد و نمی‌توان امیدوار به وجود و ارتقای فرهنگ محیط زیستی در آن جامعه بود؛ بنابراین از نظر من مهم‌ترین مؤلفه این نوع فرهنگ، ارزش‌های محیط زیستی است» (متخصص جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه).

«برای اینکه درک جامعی از فرهنگ محیط زیستی داشته باشیم باید عوامل درونی مانند ارزش‌ها و نگرش و نیات را در نظر گرفت و هم عوامل بیرونی مثل هنجارهای اجتماعی، محدودیت‌ها و مشوق‌های رفتاری. هیچ‌یک از عوامل به‌تنهایی قادر به شکل‌دهی به فرهنگ نیستند. پس باید از رویکردهای ترکیبی استفاده کرد» (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی).

### مؤلفه عینی فرهنگ محیط زیستی

نتایج مصاحبه‌ها با متخصصان و کارشناسان حکایت از این داشت که ۳ مؤلفه عینی برای فرهنگ محیط زیستی وجود دارد که در قالب مضامین پایه قرار گرفتند. رفتارهای محیط زیستی، اقدام برای محافظت از محیط زیست و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی از جمله مؤلفه‌های عینی مورد اشاره این مضمون سازمان‌دهنده بوده است که پرتکرارتر از مضامین دیگر بدان اشاره شده است. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

«رفتار و عمل افراد یک جامعه نشان‌دهنده فرهنگ آن جامعه است؛ بنابراین اگر بخواهیم از فرهنگ محیط زیستی در جامعه‌ای حرف بزنیم حتماً باید مؤلفه رفتار محیط زیستی در آن جامعه را مورد توجه قرار دهیم» (متخصص جامعه‌شناسی محیط زیست).

«فرهنگ محیط زیستی، نشانگر آن دانش، نگرش، آگاهی، عملکرد یا رفتار محیط زیستی هست و باید این چند مؤلفه را داشته باشد. از بخش ایستاری گرفته تا بخش

بروندادی، بخش رفتاری و عملکردی محیط زیستی یا همان رفتار مسئولانه محیط زیستی را داشته باشد. در واقع ما با یک پکیج سروکار داریم. این مجموعه دایره شناختی و ذهنی را در برمی گیرد تا بعد رفتاری و عملکردی» (متخصص جامعه‌شناسی).

«به نظر من کسی دارای فرهنگ محیط زیستی هست که نه تنها دوستدار محیط زیست باشد، بلکه از حفاظت از آن هم حمایت کند؛ یعنی نه تنها نگرش، ارزش‌های مثبتی نسبت به محیط زیست داشته باشد، بلکه مسئولانه و پیگیرانه برای حفظ آن تلاش کند» (متخصص جامعه‌شناسی محیط زیست).

### مضمون کلان ۲: عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی

در مصاحبه‌های به عمل آمده درباره عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی، به ۱۲ مضمون پایه اشاره شد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. این مضامین پایه اشاره ابتدا به سه دسته کلی عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل انگیزشی و عوامل اقتصادی تقسیم شدند. سپس هر کدام از این سه دسته کلی به همراه تعداد دفعات اشاره به صورت جدول ذیل آورده شد.

### جدول ۳: عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی

**Table 3: Factors Affecting Environmental Culture**

مضامین فراگیر <i>Comprehensive Themes</i>	مضامین سازمان‌دهنده <i>Organizing Themes</i>	مضامین پایه <i>Basic Themes</i>	دفعات اشاره <i>Number of Times Mentioned</i>
عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی	عوامل فرهنگی - اجتماعی	سرمایه فرهنگی	۱۱
		عادتواره	۱۱
		سرمایه اجتماعی	۱۰
		جامعه‌پذیری	۹
		دینداری	۷
		آموزش	۷
		سبک زندگی	۶
	عوامل انگیزشی	رسانه	۵
		مجازات/ هزینه مادی	۹
	عوامل اقتصادی	پاداش	۷
		سرمایه اقتصادی	۱۱
مشکلات اقتصادی مثل فقر و تورم		۴	

### عوامل فرهنگی - اجتماعی

نتایج مصاحبه‌ها با متخصصان و کارشناسان حکایت از این داشت که حدود ۸ عامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی است که در قالب مضامین پایه قرار گرفتند. سرمایه فرهنگی، عادت‌واره، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری، دینداری، آموزش، سبک زندگی و رسانه از جمله عوامل فرهنگی - اجتماعی مورد اشاره این مضمون سازمان‌دهنده بوده است که پرتکرارتر از مضامین دیگر بدان اشاره شده است. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

«سرمایه فرهنگی یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند روی فرهنگ محیط زیستی تأثیرگذار باشد. به نظر من این عامل مهم‌ترین عاملی است که می‌توان به ارتقای فرهنگ محیط زیستی منجر شود» (متخصص جامعه‌شناسی فرهنگی).

«به نظر من رفتارهایی که منجر به آلودگی می‌شود معمولاً از عادت‌واره بوم‌شناختی‌شان نشأت می‌گیرد ... به نظر او عادت‌واره بوم‌شناختی چیزی فراتر از ارزش‌ها و نگرش‌ها و آگاهی‌ست. این عادت‌واره بوم‌شناختی است که هدایت‌گر آنهاست» (دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران).

«ما باید به سمت نظریه‌هایی که بر روی سبک زندگی و ذائقه ما تمرکز دارند، برویم. یک سری نظریه‌ها هم هستند که مشخصاً در زمینه محیط زیست هستند. مثل پارادایم محیط زیستی که پروفیسور دانلاپ و همکارانشان مطرح کرده‌اند؛ اما اگر بخواهیم به صورت خاص و در حیطه جامعه‌شناختی صحبت کنیم من خودم بیشتر تأکید می‌گذارم بر نظریه‌های سبک زندگی و ذائقه با تأکید بر دیدگاه فردی مثل بوردیو» (متخصص جامعه‌شناسی).

«شما می‌توانید از نظریه پیر بوردیو و مفاهیمی که او مطرح کرده است مثل عادت‌واره، سبک زندگی و انواع سرمایه در زمینه شکل‌گیری فرهنگ محیط زیستی بهره بگیرید. سبک زندگی هر گروه اجتماعی که خودشان ذوق و سلیقه و انتخاب‌های خاصی دارند و کنش‌ها و رفتارهایشان برآمده از موقعیتشان در طبقات اجتماع است، می‌تواند نحوه برخورد و مواجهه با طبیعت و محیط زیست را مشخص کند» (متخصص جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی).

### عوامل انگیزشی

نتایج مصاحبه‌ها با متخصصان و کارشناسان حکایت از این داشت که حدود ۲ عامل انگیزشی مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی است که در قالب مضامین پایه قرار گرفتند. پاداش و مجازات از جمله عوامل انگیزشی مورد اشاره این مضمون سازمان‌دهنده بوده است که

پرتکرارتر از مضامین دیگر بدان اشاره شده است. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

«یکی از عواملی که می‌تواند منجر به ارتقای فرهنگ محیط زیستی افراد شود این است که برای کارهای مرتبط با فرهنگ محیط زیستی آنها پاداش در نظر گرفته شود و برای کارهایی که در ضدیت با فرهنگ مناسب محیط زیستی است مجازات در نظر گرفته شود» (متخصص جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی).

«چطور می‌توان فقط از افراد انتظار رعایت داشته باشد. قوانین محیط زیستی فراوان داریم، اما مهم اجرا شدن این قوانین هست. قوانین باید ضمانت اجرایی داشته باشد و از اجرا شدن آن حمایت شود ... از طرفی باید از مشوق‌های مناسبی برای هدایت مردم در جهت حفظ محیط زیست بهره بگیریم» (متخصص جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی).

«محیط زیست در جامعه‌ای که سایر بخش‌های آن رها شده است، حفاظت از محیط زیست مسئله مهمی نیست. شاید محیط زیست برای امثال من و شما دغدغه است ولی برای بقیه دغدغه نیست. برای بقیه اقتصاد و چیزهای دیگر دغدغه اصلی است ... محیط زیست در کشورهایی نسبتاً حالش خوب است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی‌اش مناسب است. در کشورهای شمال اروپا می‌بینیم محیط زیست مورد حمایت قرار دارد و رشد می‌کند و حفاظت می‌شود، این کشورها رفاه اجتماعی دارند ... آنجاست که با نقش مردم، فرهنگ محیط زیستی شکل می‌گیرد، چرا که زیرساخت‌ها و امکانات وجود دارد، منابع مالی تأمین‌شده، مرحله بعد تلاش برای ارتقا و گسترش فرهنگ محیط زیست در بین مردم است» (متخصص جامعه‌شناسی محیط زیست).

### عوامل اقتصادی

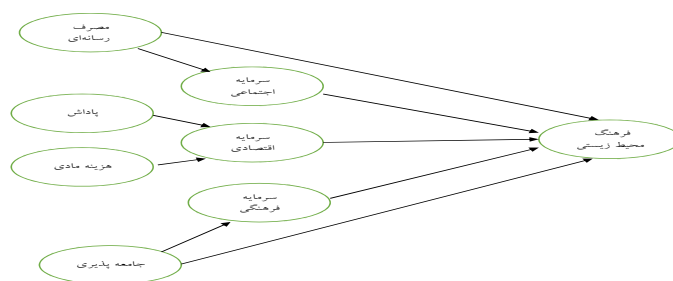
نتایج مصاحبه‌ها با متخصصان و کارشناسان حکایت از این داشت که حدود ۲ عامل اقتصادی مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی است که در قالب مضامین پایه قرار گرفتند. سرمایه اقتصادی و مشکلات اقتصادی مثل فقر و تورم از جمله عوامل اقتصادی مورد اشاره این مضمون سازمان‌دهنده بوده است که پرتکرارتر از مضامین دیگر بدان اشاره شده است. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

مشکلات اقتصادی جامعه مثل تورم و فقر می‌تواند مانع از ارتقای فرهنگ محیط زیستی در جامعه شود؛ بنابراین باید وضعیت اقتصادی جامعه کمی بهبود پیدا کند تا انتظار ارتقای فرهنگ محیط زیستی را داشته باشیم (متخصص جامعه‌شناسی محیط زیست).

### مدل مستخرج از بخش کیفی

نمودار ۱، الگوی تحقیق مستخرج از بخش کیفی را نشان می‌دهد. مطابق این الگو فرهنگ محیط زیستی ابتدا متأثر از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از نظر بوردیو (۲۰۰۵)، عادتواره، نظامی است سازمان داده شده که قادر به سازمان دادن می‌باشد. در هر یک از انسان‌ها عادتواره‌هایی وجود دارد که در طول زندگی انسان‌ها ساخته می‌شوند. به طوری که زمانی که از انسان امروز سخن می‌گوییم، در هر یک از این انسان‌های امروزی، انسان دیروز نیز وجود دارد. انسان دیروز، همان عادتواره است که فرد در طول زندگی خود از محیط‌هایی که در آن زندگی کرده، آموخته است. این متغیر متأثر از سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. از نظر بوردیو سه منبع عمده سرمایه فرهنگی پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی است و انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع، سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و شأنی که فاقد آن هستند، می‌شود (Bourdieu, 2004). به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی که متغیری به نسبت جدید در حوزه جامعه‌شناسی است، عاملی تعیین‌کننده در اعمال و رویه‌های انسان و بالأخص نوع رفتارشان با محیط زیست باشد. بنابراین، می‌توان فرض نمود با افزایش سرمایه فرهنگی افراد در اشکال گوناگون آن و در نتیجه این افزایش، رفتارهای مسئولانه‌تری در جامعه نسبت به محیط زیست صورت گیرد که نشانگر فرهنگ محیط زیستی مناسب‌تر خواهد بود. درباره تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی هم باید گفت که لوبل تأثیر تعامل در انواع گروه‌های مدنی (چیزی که او به نام سرمایه اجتماعی می‌نامد) را با فعالیت فعال محیط زیستی گزارش کرده است؛ هر چند که تأثیر گروه‌های مدنی بر تمایل به کمک مادی برای محیط زیست دیده نشده است. این مطالعه نشان می‌دهد: انگیزه فعالان محیط زیستی و نقش مرکزی آنان در روابط گسترده جامعه، تشویق مردم به پیوستن به گروه‌های محیط زیستی است (Lubell, 2002).

در قسمت دیگری از مدل چهار متغیر مصرف رسانه‌ای، هزینه مادی، پاداش و جامعه‌پذیری قرار دارند که پیش‌بینی می‌شود تأثیرات قابل توجهی بر فرهنگ محیط زیستی بگذارند. مصرف رسانه‌ای و جامعه‌پذیری هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیر مستقیم بر فرهنگ محیط زیستی می‌تواند تأثیر بگذارد. مصرف رسانه‌ای هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ محیط زیستی تأثیر می‌گذارد. جامعه‌پذیری هم از طریق سرمایه فرهنگی بر فرهنگ محیط زیستی تأثیرگذار است. پاداش و هزینه مادی هم می‌تواند از طریق سرمایه اقتصادی و عادتواره بر فرهنگ محیط زیستی اثر بگذارد.



نمودار ۱: الگوی تحقیق (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

Chart 1: Research Pattern (Source: Research Findings)

### بررسی اعتبار محتوایی الگو

برای بررسی روایی محتوایی الگوی جامعه‌شناختی فرهنگ محیط زیستی که طراحی گردید، از قضاوت صاحب‌نظران و متخصصین استفاده شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای حاوی مؤلفه‌های متغیر وابسته (فرهنگ محیط زیستی) و متغیرها و عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت و در مورد تک‌تک سؤالات پاسخ دادند. بر اساس ارزیابی ایشان (تأیید و عدم تأیید هر یک از مؤلفه‌ها و متغیرها) نتایج شاخص *CVR* در جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴: نتایج شاخص *CVR*

Table 4: Results of *CVR* Index

<i>CVR</i>	تعداد صاحب‌نظران تأییدکننده مؤلفه/متغیر	مؤلفه/متغیر	ردیف
<i>CVR</i>	Number of Experts Who Have Approved the Component/Variable	Component/Variable	Row
۱	۲۰	بعد ذهنی: ارزش محیط زیستی	۱
۱	۲۰	بعد ذهنی: هنجار محیط زیستی	۲
۰/۶	۱۶	بعد ذهنی: نگرانی محیط زیستی	۳
۰/۷	۱۷	بعد ذهنی: دانش محیط زیستی	۴
۱	۲۰	بعد عینی: رفتار	۵
۰/۸	۱۸	بعد عینی: اقدام به محافظت از محیط زیست	۶
۱	۲۰	بعد عینی: مسئولیت‌پذیری	۷

ردیف	مؤلفه/متغیر	تعداد صاحب‌نظران تأییدکننده مؤلفه/متغیر	CVR
Row	Component/Variable	Number of Experts Who Have Approved the Component/Variable	CVR
۸	متغیر سرمایه فرهنگی	۲۰	۱
۹	متغیر سرمایه اجتماعی	۲۰	۱
۱۰	متغیر سرمایه اقتصادی	۱۸	۰/۸
۱۱	متغیر جامعه‌پذیری	۱۹	۰/۹
۱۲	متغیر مصرف رسانه‌ای	۲۰	۱
۱۳	متغیر پاداش	۱۹	۰/۹
۱۴	متغیر هزینه مادی	۱۹	۰/۹

طبق جدول مقادیر قابل قبول *CVR*، در صورتی که صاحب‌نظران شرکت‌کننده ۲۰ نفر باشند، *CVR* مورد پذیرش بایستی بیش از ۰/۴۲ به‌دست آید؛ که نتایج جدول فوق حاکی از قابل قبول بودن تمامی مؤلفه‌ها و متغیرهای الگوی طراحی شده بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

وقوع اتفاقات ناگوار محیط زیستی، موجبات نگرانی‌ها و بیم‌ها بسیاری برای انسان امروزی شده است. برخی جامعه‌شناسان بر این باورند که این وقایع ریشه در مسایل فرهنگی - اجتماعی دارد. به‌عنوان مثال بوردیو (۲۰۰۴)، باور دارد که بحران‌های محیط زیستی پیامدی است از جهان‌بینی غربی که انسان را حاکم بر محیط زیست می‌داند. در راستای باورهای جامعه‌شناسان، در این تحقیق سعی شده است به فرهنگ محیط زیستی با رویکرد جامعه‌شناختی نگاه شود. از آنجا که غالب الگوهای موجود رویکردی روان‌شناختی داشته یا در صورت نگاه جامعه‌شناسانه در قالب الگویی واحد ارائه نشده است، در این تحقیق سعی شده است از مفاهیم جامعه‌شناسانه در طراحی الگو استفاده شود. بر اساس تحلیل مضمون که از مصاحبه‌های صورت گرفته با صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی محیط زیست انجام شد، ۲ مضمون فراگیر به‌دست آمد. مضمون اصلی اول تحت عنوان فرهنگ محیط زیستی می‌باشد که شامل ۷ مضمون پایه به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی و در قالب دو بعد ذهنی و بعد عینی تقسیم شدند. برخی از این مؤلفه‌ها در اکثر تحقیق‌های انجام‌شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند به‌عنوان مثال: میرهاشمی و همکاران (۱۳۹۹)، علیادیانی و دیگران (۱۳۹۸)،



شیرمحمدی و همکارانش (۱۳۹۹)، دهقان و دیگران (۱۳۹۸)، دسترس و خواجه‌نوری (۱۳۹۸)، همتی و شبیری (۱۳۹۴)، فاضلی و جعفرصالحی (۱۳۹۲) و امامقلی (۱۳۹۱) و غیره تأثیر و رابطه مؤلفه‌ها بر و با یکدیگر را بررسی کرده‌اند. در حالی که در تحقیق حاضر سعی شده است ترکیبی از مؤلفه‌ها در قالب فرهنگ محیط زیستی مطرح گردد. همان‌طور که نتایج تحلیل مضمون نشان داد، بعد ذهنی فرهنگ محیط زیستی شامل ۴ مؤلفه ارزش‌های محیط زیستی، هنجارهای محیط زیستی، نگرانی محیط زیستی و دانش محیط زیستی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه شد، ارزش محیط زیستی، نگرش محیط زیستی و دانش محیط زیستی در اغلب تحقیقات بررسی شده به‌عنوان یکی از ابعاد فرهنگ محیط زیستی مطرح شده‌اند (به‌عنوان مثال، اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۹) و کوربانف و پروخدا (۲۰۱۹)، صالحی و امامقلی (۱۳۹۸) و موریلو و مارگاریتا و ...). در حالی که در این پژوهش، هر سه مؤلفه (ارزش، نگرش و دانش محیط زیستی) به‌علاوه مؤلفه هنجار محیط زیستی تحت عنوان بعد ذهنی مطرح شده است. همچنین، از نتایج پژوهش حاضر، ارائه بعد عینی فرهنگ محیط زیستی است که با مؤلفه‌های رفتار محیط زیستی، اقدام برای محافظت از محیط زیست و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی تعیین گردید. اسکندری ثانی و همکاران (۱۴۰۰)، اسفندیارپور و همکاران (۱۳۹۹)، کوربانف و پروخدا (۲۰۱۹)، موریلو و مارگاریتا (۲۰۱۳)، همتی و شبیری (۱۳۹۴)، ایزاک مارکوئز و همکاران (۲۰۱۱) و شاهنوشی و عبدالهی (۱۳۸۶) رفتار محیط زیستی را به‌عنوان مؤلفه فرهنگ محیط زیستی معرفی کرده‌اند. در صورتی که مؤلفه‌های بعد عینی فرهنگ محیط زیستی که این پژوهش به آن دست یافته است، حاکی از گستردگی و تنوع بیشتر این بعد است. از آنجا که هدف از اجرای این تحقیق ارائه الگویی جدید و جامع‌تر نسبت به سایر کارهای تحقیقی انجام شده می‌باشد، می‌توان ادعا کرد تا حدودی به هدف نزدیک شده است.

مضمون کلان بعدی به عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط زیستی اشاره دارد. مجموعاً به ۱۴ مضمون پایه از مصاحبه‌های به‌عمل آمده، دست یافته شد که در ۴ مضمون سازمان‌دهنده آنها را تقسیم‌بندی کردیم. عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل انگیزشی، عوامل اقتصادی و عوامل ساختاری حاصل این تقسیم‌بندی می‌باشد.

از نظر بوردیو (۲۰۰۴)، عادتواره، نظامی است سازمان داده شده که قادر به سازمان دادن می‌باشد. در هر یک از انسان‌ها عادتواره‌هایی وجود دارد که در طول زندگی انسان‌ها ساخته می‌شوند. به‌طوری که زمانی که از انسان امروز سخن می‌گوییم، در هر یک از این انسان‌های امروزی، انسان دیروز نیز وجود دارد. انسان دیروز، همان عادتواره است که فرد در طول زندگی

خود از محیط‌هایی که در آن زندگی کرده، آموخته است. این متغیر متأثر از سه سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. از نظر بوردیو سه منبع عمده سرمایه فرهنگی پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی است و انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع، سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و شأنی که فاقد آن هستند، می‌شود (Bourdeau, 2004). به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی که متغیری به نسبت جدید در حوزه جامعه‌شناسی است، عاملی تعیین‌کننده در اعمال و رویه‌های انسان و بالأخص نوع رفتارشان با محیط زیست باشد. بنابراین، می‌توان فرض نمود با افزایش سرمایه فرهنگی افراد در اشکال گوناگون آن و در نتیجه این افزایش، رفتارهای مسئولانه‌تری در جامعه نسبت به محیط زیست صورت گیرد که نشانگر فرهنگ محیط زیستی مناسب‌تر خواهد بود. درباره تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی هم با اشاره به نتایج تحقیقات صالحی و همکاران (۱۳۹۹) و لوبل (۲۰۰۲)، سطح سرمایه اجتماعی، در رفتارهای محیط زیستی بازتاب خواهد داشت.

متغیر دیگر در این مدل مصرف رسانه‌ای است که پیشتر صالحی و امامقلی (۱۳۹۸)، به آن پرداخته‌اند و تأثیر آن را بر رفتار محیط زیستی سنجیده‌اند. به باور ایشان، رسانه‌ها غالباً بر حادثه محوری مسائل محیط زیستی تأکید دارند، لذا تأثیری بر دغدغه‌مندی و آگاهی محیط زیستی ایجاد نمی‌کنند. با توجه به یافته آنها ضروری است که رسانه‌ها رویکرد خود را تغییر داده و نقش مؤثرتری در هدایت افکار عمومی و جریان‌سازی رویدادهای محیط زیستی ایفا نمایند.

اتخاذ سیاست‌های تنبیهی یا مجازات‌هایی مثل اعمال هزینه‌های مادی به‌علاوه سیاست‌های حمایتی و ارائه مشوق‌های لازم تحت دو متغیر هزینه مادی، پاداش در کنار سایر متغیرها می‌تواند بر فرهنگ محیط زیستی و حداقل برخی از مؤلفه‌های آن تأثیرگذار باشد. اینها بیشتر عواملی درونی هستند که می‌توانند از رفتارهای محیط زیستی حمایت نمایند یا آن را تقویت کند (مانند، مطلوبیت اجتماعی، کیفیت زندگی و پس‌انداز پول).

جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. این متغیر علاوه بر تأثیرات مستقیم و قابل توجه بر فرهنگ محیط زیستی، به‌صورت غیر مستقیم و با تأثیر بر سرمایه فرهنگی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و ارتقا فرهنگ محیط زیستی ایفا می‌کند. مرادی و همکارانش (۱۳۹۹)، در تحقیق خود به معنادار بودن رابطه جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری محیط زیستی دست یافته‌اند. در فرایند جامعه‌پذیری، ضرورت دارد که نهادهای خانواده، رسانه و مدرسه به‌عنوان متولیان جامعه‌پذیری در عملکرد و نقششان بازنگری کنند تا شهروندان مسئولیت‌پذیرتری در قبال محیط زیست تربیت نمایند.

به منظور بررسی روایی محتوایی مدل طراحی شده در این تحقیق، پرسشنامه‌ای در اختیار ۲۰ نفر از صاحب‌نظران که سابقاً در این حوزه تحقیق کرده‌اند و با این حوزه آشنایی داشتند، قرار داده شد. تمامی مؤلفه‌ها و متغیرهای طرح شده در الگو، مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، اسپینولا (۲۰۲۱)، بر ضرورت تحولات فرهنگی عمیق در جوامع برای کاهش بحران اکولوژیکی تأکید کرده و معتقد است برای برقراری مجدد تعادل‌های طبیعی، نیازمند کنار گذاشتن نگاه انسان‌محورانه هستیم؛ و با توجه به ملاحظات سایر نویسندگان که به ابعاد فرهنگ محیط زیستی با رویکرد فردگرایانه می‌پردازند، در این پژوهش تلاش شد توجهات به سمت توسعه فرهنگ محیط زیستی سوق داده شود. تأکید و تمرکز بر فرهنگ محیط زیستی نیازمند درگیر کردن گروه‌ها و جوامع اجتماعی است. در همین راستا، اسپینولا (۲۰۲۱) رویکرد یادگیری در عمل<sup>۱</sup> (آموزش تجربی) جان دیویی<sup>۲</sup> (۱۹۳۸) را مطرح می‌کند. در واقع، دیویی ضمن تأکید بر روش‌های فعال یادگیری، مخالف روش‌های سنتی مانند سخنرانی و حفظ کردن است و اعتقاد دارد که از طریق روش‌های گروهی، افراد با محیطشان، تعامل پیدا کرده و در رفع نیازهای یکدیگر سهیم می‌شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد، علاوه بر ضرورت غیر متمرکز شدن آموزش محیط زیستی، آموزش محیط زیستی نه تنها باید با فرد تعامل داشته باشد، بلکه بیش از آن، گروه‌های اجتماعی را درگیر کرده و کل جامعه را مسئول سازد. همچنین، نقش انجمن‌هایی که گروه‌های ذینفع را در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی گرد هم می‌آورند، نمی‌توان نادیده گرفت.

### پیشنهادات پژوهش

با عنایت به لزوم گسترش توجهات به سمت توسعه فرهنگ محیط زیستی و اجرای اقداماتی برای حل یا کاهش عدم تعادل و بحران‌های محیط زیستی، به این ترتیب به گروه‌ها و جوامع محلی فرصت داده می‌شود تا مسائل محیط زیستی را به صورت فعال در سطح محلی درک و حل نمایند. از آنجا که فرآیندهای یادگیری کاملاً به زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی واقعی و به تعامل با محیط اجتماعی وابسته هستند، لذا یک الگو/مرجع، یا یک رهبر برای توسعه فرهنگ محیط زیستی می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

<sup>۱</sup> learning-by-doing approach

<sup>۲</sup> John Dewey

### محدودیت‌های پژوهش

به‌طور کلی تحقیق‌های کیفی و به‌طور خاص در جامعه ایران با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. مطالعه حاضر نیز با موانعی مواجه بود که می‌توان به عدم همراهی برخی اساتید و صاحب‌نظران در حوزه مرتبط جهت انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه اعتبار محتوایی الگو اشاره کرد. بخشی از این محدودیت‌ها نیز ناشی از تعداد کم افراد متخصص در این حوزه، با توجه به جوان و نو بودن جامعه‌شناسی محیط زیست می‌باشد.

**References:**

- Alidadiani, F. and Soleimani Pouramran, M. (2018). "The relationship between Environmental Behavior and Systemic Thinking and Social Responsibility: A Study of Environmental Workers in North Khorasan", *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 7(3), 89-102. (Persian).
- Apanasyuk, L. A.; Lisitzina, T. B.; Zakirova C. S.; Baranova N. V.; Nizamutdinova, G. F.; Torkunova, J. V.; Kurdyumov, V. I. and Buslaev, S. I. (2019). "Factors and Conditions of Student Environmental Culture Forming in the System of Ecological Education". *Ekoloji*. 28 (107): 191-198.
- Behzadi, H. and Mahmoudi, H. (2018). "Investigating the role of observational learning on the reading status of high school male students based on Bandura's social cognitive theory", *Journal of Library and Information Sciences (LIS)*, 21(1), No. 81, 25-54. (Persian).
- Bourdieu, P. (2005). Forms of capital. In *Social Capital: Trust, Democracy and Development*. Collection of Kian Tajbakhsh. Translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan. Tehran: Shirazeh. (Persian).
- Bourdeau, P. (2004). The Man-nature relationship and Environmental Ethics. *Environmental Radioactivity*, 72: 9-15.
- Braun, V, and Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in Psychology. *Qualitative research in psychology*, 3 (2). pp: 77-101.
- Dastras, F. and Khajenoori, B. (2020). "Investigating the Relationship between Sociological Factors and Environmental Behavior of Citizens of Shiraz", *Journal of Applied Sociology*, 30(4), No.76, 35-58. (Persian).
- Dehghan, F.; Karami, J.; Yazdanbakhsh, K. and Salehi, S. (2020). "Prediction of Environmental Ethics Based on the Environmental Values and Norms". *Ethics in science and Technology*, 14 (4), 56-60. (Persian).

Dewey, J. (1938). *Experience and education*. New York: Macmillan.

Esfandiarpour J.; Moradi, A. and Jahanbakhsh, E. (2021). The relationship between quality of life and national identity with environmental Culture (Case Study in Kerman), *Journal Of Social Sciences*, Vol. 17, Issue 2, No. 36, pp: 33-64. (Persian).

Eskandari Sani, M., Esmailnejad, M., Rezaei, E. (2021). An analysis of the culture and responsible environmental behaviors of Birjand citizens. *Human & Environment*, 19(1), 161-173. (Persian).

Estrada, M; Schultz, P. W; Silva-Send, N & Boudrias M. A. (2017). "The Role of Social Influences on Pro-Environment Behaviors in the San Diego Region", *Journal of Urban Health*. 94. PP: 170-179.

Fazeli, M. and Jafar Salehi, S. (2013). "The Gap between Attitude, Knowledge and Environmental Behavior of Tourists", *Tourism Management Studies*, 8(22), 142-168. (Persian).

Garcia-Machado, J. J. and Martínez-Ávila, M. (2019). "Environmental Performance and Green Culture: The Mediating Effect of Green Innovation. An Application to the Automotive Industry". *Sustainability*. 11(4874).

Hemmati, Z., Shobeiri, S. M. (2016). "Environmental Culture and the Factors Affecting It (Case Study: The Citizens of Shiraz City)", *Journal of Iranian Cultural Research*, 8(4), 197-215. (Persian).

Isaac-Marquez, R.; Salavarría Garcia, O.; Eastmond Spencer, A.; Ayala Arcipreste, M.; Arteaga Aguilar, M.; Isaac-Marquez, A.; Sandoval Valladares, J. and Manzanero Acevedo, L. (2011). Environmental culture in high-school students. Case study of environmental education at the high-school level in Campeche. *Revista Electrónica de Investigación Educativa*, 13 (2). pp: 1-17.

Javidi Kalateh Jafarabadi, T.; Madani, S. and Razavi, B. Z. (2011). "Bandura theory of cognitive-social learning and its educational implications", *The First National Conference on*

Cognitive Science Findings in Education, 2-3 December. Mashhad Ferdowsi University. (Persian).

Kalantari, A., Kianpour, M., Mazidi sharaf abadi, V., Lashgari, M. (2016). "Sociological Analysis of Sense of Belonging towards Nature (Case Study: Tehran Residents)", *Journal of Applied Sociology*, 27(2), 1-16. (Persian).

Kamali, Y. (2018). "Methodology of Thematic Analysis and its Application in Public Policy Studies", *Public Policy*, 4(2), 189-208. (Persian).

Kiger M. E. and Varpio, L. (2020). "Thematic analysis of qualitative data: AMEE Guide", No. 131. *Medical Teacher*. PP: 1-10.

Kurbanov, A. R.; Prohoda, V. A. (2019). Ecological culture: Empirical projection (relation of Russia to climate change), *Sociology of Ecology*, No.4. (In Russian) DOI: "<https://doi.org/10.14515/monitoring.2019.4.17>."

Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity", *Personnel psychology*, Vol. 28, pp 563-575.

Lubell, M. (2002). "Environmental Activism as Collective Action". *Environment and Behavior*. 34. pp: 431-454.

Mat Basir, S., Feng Ming, K. (2018). "Saving the environment and the dilemma of finding the right solution", *International Conference on Law, Environment and Society*. Kuala LumpurMalaysia.

Mirhashemi, S. M.; Haghparast, F. and Asefi, M. (2020). "Investigating the Factors Affecting Environmental Behavior: A Qualitative Study in Urban Areas of Iran", *Environmental education and sustainable development*. 8(3), 153-164. (Persian).

Moradi, R.; Khesht Zar, I. and Mokhtari, M. (2020). "Responsible action in the process of environmental socialization", *Iranian Journal of Social Problems*, 11(1), 285-308. (Persian).

Murillo, M. and Margarita, L. (2013). Environmental culture: a study from values, beliefs, attitudes and environmental behaviors. *Rev. P+L [online]*. Vol.8, No.2, pp:94-105. from

[http://www.scielo.org.co/scielo.php?script=sci\\_arttext&pid=S1909-04552013000200010&lng=en&tlng=](http://www.scielo.org.co/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S1909-04552013000200010&lng=en&tlng=). (Spanish).

Nawah, A.; Forootan kia, Sh. and Porter Karouni, M. (2011). "Investigating the Relationship between Religiosity and Citizens' Environmental Values and Behaviors (Case Study: Ahvaz)", *Urban sociological studies*. First Issue, 98-77. (Persian).

Salehi, S. and Imamgholi, L. (2019). "Media, culture and environmental behaviors (Case study: Citizens of Sanandaj)". *Sociology of culture and art*. 1(1), 48-71. (Persian).

Salehi, S. and Imamgholi, L. (2012). "Experimental study of the relationship between knowledge and environmental behaviors (urban and rural areas of Sanandaj)", *Iranian Journal of Social Problems*. 3(1), 121-147. (Persian).

Salehi, S.; Firoozjaeian, A. and Abbasi Kalan, H. (2020). "Investigating the Impact of Social Capital on Environmental Behavior (Case Study: Tourists in Sharabil Lake, Ardebil)", *Journal of Tourism Planning and Development*, 9(34), 145-160. (Persian).

Schumacher, I. (2015). "The Endogenous Formation of an Environmental Culture", *European Economic Review*, 76. pp: 200-221.

Shahnoushi, M. and Abdellahi, A. (2007). "An analysis of the environmental culture of the people of Isfahan and some factors affecting it", *Journal of Humanities Research*, University of Isfahan. 23. pp. 15-34. (Persian).

Shirmohammadi, Y.; Darabi, Gh. and Hashemi Baghi, Z. (2020). "The Effect of Value Orientation on Environmental Tourism Behavior through the Theory of Value, the Idea of Norm, and the Theory of Expectation among Darband and Perke Tourists", *Tourism Management Studies*. 15(50), 221-252. (Persian).

Strauss, A.; Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.

Willuweit, L. (2009). "Promoting pro-environmental behavior. An investigation of the cross cultural environmental behavior



patterns”, the case of Abu Dhabi. Thesis for Master degree, Department of Human Geography, Stockholm University.

Yurdakul, M.; Kazan, H. (2020). “Effects of Eco-Innovation on Economic and Environmental Performance: Evidence from Turkey’s Manufacturing Companies”, *Sustainability*, 12 (3167).

Zare, B; Niazi, A; Habibpour, K. and Karami, N. (2020). “Meta-analysis of influential factors on environmental behaviors among citizens”, *Iranian Journal of Social Problems*; 11 (1), 281-297. (Persian).

## Qualitative study of Determinants of Environmental Culture

Zahra Hemmati<sup>1</sup>, Mahdieh Rezaei (Ph.D)<sup>2</sup>  
Seyed Mohammad Shobeiri (Ph.D)<sup>3</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2023.39325.2559

### Abstract:

Today, environmental issues and problems have become many challenges and concerns for society. Many believe that these problems stem from cultural weakness. Bourdieu sees the root of environmental crises in the Western worldview, which has a hegemonic view of the environment. In fact, without the formation of environmental culture, the formation of a society with high environmental responsibility is not possible. Therefore, in the present study, a qualitative study of the determinants of environmental culture was performed. Using qualitative method and semi-structured interviews with 15 experts, data were collected and then content analysis was performed. Finally, two comprehensive themes and five organizing themes were achieved. Regarding the components of environmental culture, 7 basic themes were obtained, which could be divided into comprehensive and organizing themes. These basic themes were divided into two general categories: subjective and objective. Regarding the factors affecting environmental culture, 12 basic themes were mentioned, which could be divided into comprehensive and organizing themes. These basic themes were divided into three general categories: socio-cultural factors, motivational factors and economic factors. Finally, in order to check the content validity of the model, the CVR index was used, the results of which indicate the approval of the model designed by experts.

**Key Concepts:** *Validation, Sociological Pattern, Environmental Culture, Thematic Analysis, Developing Model*

<sup>1</sup> Ph.D. student, Department of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran, z.hemmati.89@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), mdrezaee@pnu.ac.ir

<sup>3</sup> Professor, Department of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran, sm\_shobeiri@pnu.ac.ir

